

تاریخ ارسال: ۱۴۰۰/۴/۰۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۵/۱۸

حق بر دادرسی اداری و سازوکارهای اجرایی آن در ایران و اتحادیه‌ی اروپا

حسن خسروی^۱

محمدجواد حسینی^۲

چکیده

امکان دادخواهی از عملکرد نابخردانه و خلاف قانون و مقررات مقامات اداری موجد حقی است که از آن با عنوان «حق بر دادرسی اداری» یاد می‌شود و این امکان را به شهروندان می‌دهد تا برای احقاق حق خود در برابر مقامات اداری به مراجع قضایی رجوع نمایند. این حق یکی از حقوق بنیادین شهروندان در برابر حکومت است که در حقوق اداری بسیاری از دولت‌کشورها به رسمیت شناخته شده است. در این نوشتار این حق در نظام‌های حقوقی ایران و اتحادیه‌ی اروپا و نهادها و راهکارهای موجود برای اجرایی کردن آن، مورد تدقیق و تطبیق قرار گرفته است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که وجود دادگاه اروپایی حقوق بشر برای رسیدگی قضایی به دعاوی اداری و آمبودزمن اروپایی برای رسیدگی‌های غیرقضایی منطبق و مشابه با دیوان عدالت اداری در ایران برای رسیدگی‌های قضایی و کمیسیون اصل نودم قانون اساسی برای رسیدگی‌های غیرقضایی به

۱. دانشیار گروه حقوق عمومی، دانشگاه پیام نور تهران. (نویسنده مسئول)

hkh.be82@yahoo.com

۲. کارشناس ارشد حقوق عمومی پردیس فارابی و حقوق دادرسی اداری دانشگاه پیام نور تهران.

hosseini.publiclaw69@gmail.com

حق بر دادرسی اداری و سازوکارهای اجرایی... ■ ۱۷۸

شکایات مردم از اداره است که این همسانی مراجع می‌تواند زمینه ساز تعامل هرچه بیشتر ایران و اتحادیه‌ی اروپا در حوزه‌ی حقوق اداری و بهره‌برداری از پیشرفت‌های دادرسی اداری این اتحادیه باشد.

کلیدواژگان: حق بر دادرسی اداری، حقوق بشر، دادگاه اروپایی اتحادیه‌ی اروپا، دعاوی اداری، دیوان عدالت اداری.

مقدمه

اعمال اداری و تصمیمات اداره همیشه درست، منطقی، مطابق با قانون و حق‌محورانه نبوده و در زمان معقول و مناسب اخذ نمی‌گردد و این نابسامانی و آشفتگی در اعمال قدرت و ارائه‌ی خدمات عمومی و برقراری نظم عمومی سبب تضييع حقوق شهروندان و وارد شدن خسارات مادی و معنوی بسیاری به ایشان می‌گردد. اختیار اداره که به سبب انجام امور اداری و برای ارائه‌ی خدمات به مردم به او اعطا شده و در اصطلاح به آن صلاحیت‌های اداری گفته می‌شود، سبب باز بودن دست اداره در انتخاب عمل و تصمیم‌گیری است که همین امر گاهی سبب خروج از صلاحیت و گریز از قانون می‌شود و نادیده‌انگاری حقوق شهروندان را به همراه دارد.

در نظام‌های حق‌محور و مبتنی بر قانون که شهروندان از حقوق و تکالیف و حمایت‌های قانونی برخوردارند، اداره ملزم به پاسخ‌گویی در مقابل عمل خلاف قانون یا تصمیم اشتباه خود است و باید در برابر فرد آسیب‌دیده از عمل اداره، مقامات بالاتر اداری و مراجع نظارتی بیرون از اداره جواب‌گو و جبران‌کننده‌ی خسارات باشد. «یکی از اصول اصلی که امروزه به منظور حمایت از حقوق و منافع افراد در حقوق اداری مورد توجه قرار گرفته است، اصل رعایت حقوق دفاعی افراد در برابر تصمیمات اداری می‌باشد»^۱ و یکی از جلوه‌های کرامت انسانی و یکی از حقوق بنیادین انبای انسانی حق دادخواهی است؛ چون افراد دارای کرامت، حیثیت، شرافت و احترام ذاتی و حقوق شناخته شده‌ای هستند که هرگاه این امور توسط نهادهای دولتی و ارگان‌های اداری مورد خدشه و دستبرد واقع شود باید طرق دادخواهی و جبران خسارات مادی و معنوی افراد امکان‌پذیر باشد تا از رهگذر این دادخواهی حقوق از دست‌رفته‌ی خویش را ترمیم نمایند. امروزه با گسترش کارویژه‌های دولت و افزایش مداخلات آن در تمامی عرصه‌های زندگی عمومی شهروندان، امکان نادیده‌انگاری حقوق

۱. خانی والی زاده، سعید، برر سی ارتباط رعایت حقوق دفاعی و کرامت از سانی افراد در حقوق اداری ایران و فرانسه، فصلنامه حقوق اداری، سال ۵، شماره ۱۴، ۱۳۹۷، ص ۳۲.

افراد بیش از پیش شده است و روابط میان حاکمان و شهروندان دارای پیچیدگی و درهم‌تنیدگی‌هایی گردیده که تنظیم و تدریس آن دشوار و امکان‌پذیر به خوردن حقوق افراد در آن بسیار زیاد است که این امر ضرورت دادرسی اداری را پراهمیت‌تر نموده است. حکمیت دعاوی اداره‌کنندگان و اداره‌شوندگان مهم‌ترین و اولین بحث در دادرسی اداری است؛ به این شرط که قانون‌گذار این حق را برای شهروندان خویش به رسمیت شناخته باشد. حق بر دادرسی اداری جلوه‌ای از حق دادخواهی است که دامنه‌ی شمول آن تمامی ارکان یک حکومت را در برمی‌گیرد و به شهروندان این حق را می‌دهد که علیه دولت (به معنای عام) به سبب رفتار خلاف قانون و یا عدم انجام وظایف قانونی به مراجع رسمی پیش‌بینی‌شده در قانون، تظلم‌خواهی نمایند.

در اتحادیه‌ی اروپا با تصویب آیین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌های جدید، بسیاری از مباحث حقوق بشر و موضوعات حق‌محورانه وارد ادبیات حقوق اداری این اتحادیه گشته است و از سوی دیگر در نظام حقوق اداری ایران نیز به دادخواهی اداره‌شوندگان از اداره‌کنندگان اشاراتی شده است. در این پژوهش برآنیم تا حق بر دادرسی اداری را به شیوه‌ی توصیفی-تحلیلی در متون و اسناد حقوقی ایران و اتحادیه‌ی اروپا بررسی نماییم تا دریابیم که رویکرد این دو نظام حقوقی نسبت به حق بر دادرسی اداری چگونه است؟ چه تفاوت‌ها و تشابهاتی میان رویکرد این دو نظام حقوقی نسبت به حق بر دادرسی اداری وجود دارد؟ چه تمهیداتی برای پیاده‌سازی و عملی نمودن این حق در نظر گرفته شده است؟ برای پیدایی پاسخ پرسش‌های مذکور ابتدا به تعریف و بررسی حق بر دادرسی اداری در اسناد بین‌المللی حقوق بشری و سپس حقوق اداری اتحادیه‌ی اروپا و ایران پرداخته‌ایم.

فرضیه‌ی این مقاله بر وجود تشابه نسبی میان قوانین اداری و نهادها و سازوکارهای پیاده‌سازی حق بر دادرسی اداری در ایران و اتحادیه‌ی اروپا استوار است.

گفتار یکم. حق بر دادرسی اداری

«یکی از حقوق مسلم بشری که در اسناد بین‌المللی متعددی شناسایی و مورد توجه قرار گرفته حق دادخواهی است. به موجب این حق، هرکس برای استیفای حقوق خود حق مراجعه به دادگاه

صلاحیت‌دار مستقل و بی‌طرف را برای رسیدگی عادلانه و قانونی دارد.»^۱ این حق در حوزه‌ی حقوق اداری از اهمیتی دوچندان برخوردار است؛ چراکه نقش‌آفرینی دولت و سازمان‌های آن در همه‌ی امور و شئون زندگی و تمامی روابط روزمره‌ی شهروندان افزایش یافته است و امروزه بیش از آنکه افراد با یکدیگر در تعامل و تنازع باشند با دولت و سازمان‌های دولتی در رابطه‌اند و این امر علاوه بر محدود نمودن جلوه‌های مختلف آزادی شهروندان، گاهی سبب از بین رفتن حقوق و پایمال شدن حق‌های اساسی آنان می‌گردد. در نتیجه باید راهکارهایی برای حمایت از شهروند در برابر دولت وجود داشته باشد که «یکی از مکانیسم‌های مؤثر برای حمایت از حق‌های بشری، پیش‌بینی نظام حقوقی متناسب در دادرسی اداری می‌باشد تا این امکان برای شهروند فراهم باشد که با توسل به دادرسی اداری به احقاق حق خود نائل شود.»^۲

دادرسی اداری و حق تطلم‌خواهی و شکایت از اعمال دولت و تمامی سازمان‌های زیرمجموعه آن یک حق بنیادین برای احقاق حقوق شهروندان ناتوان در برابر دولت قدرتمند و پرتوان است و «فلسفه‌ی وجودی سپردن دعاوی حقوق اداری به دادگاه‌های اداری از یک طرف شناخت نظام اداری و صلاحیت‌ها و تکالیف نهادهای اداری و مقامات عمومی و تأمین حاکمیت قانون در انجام امر عمومی و تأمین منافع و مصالح عمومی و اداری و از طرف دیگر حمایت از حقوق شهروندان در روابط مردم و نهادهای اداری است.»^۳ از این زاویه، بحث نظارت بر دولت و امکان طرح شکایت علیه آن پیش می‌آید و «نظارت قضایی و کنترل حقوقی اعمال اداری به منزله‌ی محور حقوق اداری در

۱. زارعی، محمد حسین و آریتا محسن زاده، نظام اثبات دعوا در دادرسی اداری، فصلنامه‌ی دیدگاه‌های حقوق قضایی، شماره‌ی ۷۲، ۱۳۹۴، ص ۶۷.

۲. زارعی، محمد حسین و آریتا محسن زاده، نظام اثبات دعوا در دادرسی اداری، فصلنامه‌ی دیدگاه‌های حقوق قضایی، شماره‌ی ۷۲، ۱۳۹۴، ص ۶۸.

۳. همتی، مجتبی، تحلیل قانون دیوان عدالت اداری از منظر استانداردهای خاص دادرسی منصفانه‌ی اداری؛ با نگاهی به رویه‌ی دادگاه اروپایی حقوق بشر، فصلنامه پژوهش حقوق عمومی، سال ۱۹، شماره ۵۵، ۱۳۹۵، ص ۲۵۷.

جهت تحقق حاکمیت قانون و تضمین احترام مقامات اداری به حقوق و آزادی های بنیادین شهروندان شناخته می شود.» از همین منظر در تمامی اسناد و اعلامیه های جهانی حق دادخواهی که یکی از جلوه های آن دادخواهی از اداره است، به عنوان یکی از حق های بنیادین به رسمیت شناخته شده است و «بر اساس حقوق بین الملل، دسترسی به دادگاه یا دیوان بایستی به صورت مؤثر تضمین شود تا اطمینان حاصل شود که از نظر رویه ای هیچ شخصی از حق دادخواهی از جمله دعوی اداری محروم نشود.»^۲

در ماده ی ۸ اعلامیه ی جهانی حقوق بشر مقرر شده که هرکس که حقوق اساسی اش مورد تجاوز و دستبرد دیگران قرار گیرد و این حقوق به وسیله ی قانون اساسی یا سایر قوانین برای وی به رسمیت شناخته شده باشد، حق رجوع به محاکم برای دادخواهی را دارد و در ماده ی ۱۰ نیز به برابری در بررسی به دعوی مطروحه افراد برای دادخواهی در دادگاهها اشاره شده است که با توجه به کلی بودن عبارات این ماده در باب دادرسی و تظلم خواهی می توان آن را شامل طرح دعوا به منظور احقاق حق علیه اداره نیز دانست.

در میثاق حقوق مدنی و سیاسی و در ماده ی ۳ همه ی دولت ها مکلف شده اند تا برای افرادی که حقوق شناخته شده ی آن ها در این میثاق مورد تجاوز قرار گرفته است، امکان دادخواهی و احقاق حق را فراهم آورند و در بخش آخر این ماده به دادرسی اداری توجه نموده است؛ چرا که بیان می کند که اگر این نقض توسط مقاماتی باشد که در راستای اجرای وظایف خود و در اجرای مشاغل رسمی خود منجر به ورود خسارات و نادیده گرفتن حقوق مردم شده اند، دولت ها وظیفه ی احقاق حق در این موارد را نیز دارند. در واقع بند الف ماده ی ۳ با اضافه کردن تظلم خواهی از نقض حقوق

۱. استوارسنگری، کوروش و حمید شاکری،، صیانت از آزادی ها در آراء دیوان عدالت اداری، فصلنامه ی جستارهای حقوق عمومی، سال ۱، شماره ی ۱. ۱۳۹۶. ص ۱۰۰.

۲. همتی، مجتبی، تحلیل قانون دیوان عدالت اداری از منظر استانداردهای خاص دادرسی منصفانه ی اداری؛ با نگاهی به رویه ی دادگاه اروپایی حقوق بشر، فصلنامه ی پژوهش حقوق عمومی، سال ۱۹، شماره ی ۵۵، ۱۳۹۵، ص ۲۴۹.

افراد توسط اشخاص ملزم به احراز مشاغل رسمی، حق دادرسی اداری و امکان طرح دعوی علیه اداره را به خوبی مشخص کرده و به رسمیت شناخته است؛ چراکه نادیده گرفتن و از بین بردن حقوق افراد فقط توسط اشخاص عادی و حقیقی صورت نمی‌پذیرد و در دوران معاصر و با گسترده شدن روابط اداره و مردم و ظهور دستگاه‌های مختلف اداری ارائه‌دهنده‌ی خدمات عمومی و برقرارکننده‌ی نظم عمومی، نظم جدیدی در روابط شهروندان و اداره پدیدار شده که نیازمند دفاع از شهروندان به دلیل کمی قدرت در برابر اداره است و این مهم از طریق دادرسی‌های اداری به خوبی محقق می‌شود. در بند ۳ همین ماده نیز دولت‌ها متعهد به تضمین وجود مراجع و مقامات صالح قضایی و اداری یا مقننه برای پذیرش دعاوی و دادخواهی شده‌اند. در نتیجه بسیاری از اسناد مهم حقوق بشری امکان طرح شکایت از دولت را به عنوان یک حق برای شهروندان تحت سلطه‌ی آن دولت به رسمیت می‌شناسد و حق بر دادرسی اداری را تضمین می‌نمایند؛ چراکه «دادرسی اداری، رسیدگی به شکایات افراد از دستگاه‌های دولتی و اداری از حیث عدم رعایت قوانین و مقررات و نقض حقوق و آزادی‌های اشخاص می‌باشد و دعوایی میان اداره و شهروند است، لذا در تضمین حق‌ها و آزادی‌های شهروندان و جلوگیری از خودسری دستگاه‌ها و مقامات اداری جایگاه ویژه‌ای دارد.»^۱

گفتار دوم. حق بر دادرسی اداری در اتحادیه‌ی اروپا

حق بر دادرسی اداری به عنوان یک حق بنیادین در اسناد و متون متعدد اتحادیه‌ی اروپا به رسمیت شناخته شده و به صورت مستقیم و یا غیرمستقیم مورد مذاقه قانون‌گذاران این اتحادیه قرار گرفته است و «حق بر دادرسی عادلانه در سیستم کنوانسیون اروپایی حقوق بشر جایگاهی

۱. زارعی، محمد حسین، محسن زاده، آریتا، نظام اثبات دعوا در دادرسی اداری، فصلنامه‌ی دیدگاه‌های حقوق قضایی، شماره‌ی ۷۲، ۱۳۹۴، ص ۶۶.

اساسی دارد و از عناصر بنیادین مفهوم حاکمیت قانون است.» در ماده‌ی ۶ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر حق بر دادرسی منصفانه به صورت کلی مورد توجه قانون‌گذار قرار گرفته و به رسمیت شناخته شده است و بیان می‌کند که هر فردی به خاطر محرومیت از حقوق مدنی خویش و نقض حقوق او از جانب دیگران حق استماع دعوی در یک دادگاه مستقل و بی‌طرف و در یک مدت معقول و منطقی را دارد که گستردگی این حق و وسیع بودن آن شامل اداره و مقامات اداری نیز می‌شود. در ماده‌ی ۱۶ کد اروپایی رفتار اداری خوب، حق بر استماع دعوی اداری به رسمیت شناخته شده است و در آن بیان شده که در پرونده‌هایی که حقوق یا منافع اشخاص دخیل است، اداره باید تضمین نماید که در هر مرحله از پروسه‌ی تصمیم‌گیری، حق دفاع افراد مورد احترام است. در بند ۲ نیز اظهار می‌دارد که همه حق دارند در مواردی که تصمیم اداره بر حق‌های آن‌ها و یا منافع‌شان اثرگذار است، کتباً یا در صورت ضرورت شفاهاً قبل از اتخاذ تصمیم نهایی اداره، نظر خود را بیان نمایند. در ماده‌ی ۲۶ این کد نیز حق بر شکایت در آنبودزمان اروپایی برای افراد به رسمیت شناخته شده است و بر اساس آن هرگونه نارسایی و کوتاهی و عیب و نقص در عمل اداره یا مقامات رسمی که بر اساس این کد مقرر شده است، می‌تواند موضوع طرح شکایت در آنبودزمان اروپایی گردد.

در ماده‌ی ۴۱ منشور حقوق بنیادین اتحادیه‌ی اروپا که از آن به عنوان پایه و اساس دکتترین اداره‌ی خوب در اتحادیه نیز یاد می‌شود، در بیان شرایط تحقق اداره‌ی خوب به حق بر دفاع و دادرسی اداری اشاره می‌شود. در بند ۱ ماده‌ی ۴۱ بیان شده که هر شخصی حق دارد قبل از اتخاذ تصمیمی علیه خویش از خود دفاع کند و حق بر دفاع در مقابل تصمیمات اداری را به رسمیت شناخته است و در بند ۳ ماده‌ی ۴۱ مقرر شده که همه حق دارند تا جبران خسارات وارده به خود را که توسط نهادهای اتحادیه اروپا یا کارکنان آنان ایجاد شده، بخواهند.

۱. ممتاز، جمشید، متوسل، سیروس، حق بر دادرسی در کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، فصلنامه‌ی مطالعات حقوق عمومی، دوره‌ی ۴۶، شماره‌ی ۴، ۱۳۹۵، ص ۸۵۶.

در منشور حقوق بنیادین اتحادیه‌ی اروپا نیز صحبت از حق شکایات افراد شده است و بر مبنای آن هر یک از شهروندان اتحادیه اعم از حقیقی یا حقوقی حق شکایت به پارلمان اروپایی را دارد و می‌تواند برای جبران خسارات خود از این طریق وارد عمل شود. در فصل ۶ این منشور و در جایی که سخن از عدالت می‌شود، در ماده‌ی ۴۷ صحبت از حق برخورداری از جبران خسارت مؤثر و محاکمه‌ی عادلانه می‌شود و همه‌ی افرادی که حقوق و آزادی‌های تضمین‌شده در حقوق اتحادیه نسبت به آن‌ها مورد نقض قرار گرفته، حق دادخواهی به دادگاه‌های عمومی، بی‌طرف و مستقل را در مدت معقول دارند.

در توصیه‌نامه‌ی جلسه‌ی ۹۰۹ کمیته‌ی وزیران شورای اروپا به تاریخ ۱۵ دسامبر ۲۰۰۴ نیز مهم‌ترین اصول مربوط به دادرسی اداری مورد توجه قرار گرفته است که بر اساس ماده‌ی ۶ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین تدوین یافته است. در این دستورالعمل دادرسی اداری علیه اقدامات و تصمیمات مقامات اداری برای حفاظت از حقوق و منافع اشخاص به عنوان عنصر اصلی حمایت از حقوق بنیادین شهروندان معرفی شده است. این دستورالعمل در بیان نظارت قضایی بر اعمال اداری است و در بخش دوم در بیان قلمرو این نظارت همه‌ی اعمال اداری را موضوع نظارت قضایی می‌داند و در بند دیگر اعلام می‌کند که محاکم قضایی باید قادر به نظارت بر هرگونه تخلف و نقض قوانین، اعمال غیرقانونی، ناشایسته بودن عمل اداری و همچنین سوءاستفاده از قدرت باشند. در بند ۲ همین بخش حق بر دسترسی به نظارت قضایی بر اعمال اداری مورد قبول قرار گرفته است و بیان می‌شود که این‌گونه نظارت‌ها باید در اختیار همه‌ی اشخاص حقیقی و حقوقی باشد که اعمال اداری بر حقوق و منافع آنان خدشه‌ای وارد نموده است. بر اساس بند دیگر این توصیه‌نامه باید مهلت معقول و منطقی برای این‌گونه درخواست‌ها به همه‌ی شهروندان داده شود. در بند ۴ این توصیه‌نامه از حق بر استماع سخن به میان آمده است و اظهار می‌نماید که زمانی که هر دادگاه اخذ تصمیم می‌نماید باید یک زمان معقول و منطقی برای هر پرونده وجود داشته باشد و به جز مواردی که حقوق داخلی کشورها استثناء کرده است، همه‌ی اسناد و اطلاعات موجود

درخواست شده از طرف این محاکم باید توسط اداره در اختیار آن مرجع قرار گیرد و رسیدگی‌های قضایی بر اساس بند دیگر این توصیه‌نامه باید علنی برگزار شود مگر در مواردی که قانون منع نموده است.

در بند دیگر این توصیه‌نامه نیز بیان شده که تصمیمات محاکم بر اعمال اداری باید قابل پژوهش‌خواهی و تجدیدنظر در محاکم بالاتر باشند. در بخش جبران خسارت (بخش ۵ توصیه‌نامه) نیز مقرر شده که اگر محاکم قضایی احراز نمایند که اداره دچار تخلف و مرتکب عمل غیرقانونی گردیده است باید این قدرت و اختیار را برای مقرر نمودن جبران خسارت داشته باشند و همچنین این محاکم باید صلاحیت لازم برای باطل کردن تصمیمات مقامات اداری و همچنین الزام به اخذ تصمیم جدید بر اساس رأی دادگاه را داشته باشند.

در توصیه‌نامه‌ی ۹۹۹ کمیته‌ی وزیران شورای اروپا به تاریخ ۲۰۰۷ استرا سبورگ و در ماده‌ی ۲۲ پژوهش‌خواهی از اعمال اداری مورد توجه قرار گرفته است و در بند اول آن بیان شده که افراد حق دارند از تصمیمات اداری که بر حقوق یا منافع فردی آنان تأثیرگذار است دادخواهی نمایند و در ماده‌ی بعدی مقرر شده که مقامات اداری باید طرق جبران خسارت و پرداخت خسارات ناشی از تصمیمات اداری و یا اعمال اداره به شهروندان را پیش‌بینی و مقرر نمایند که این جبران خسارت بر اساس بند ۳ همان ماده باید توسط محاکم قضایی در مدت زمان معقول و مناسب اخذ شود. در بند ۶ توصیه‌نامه‌ی کمیته‌ی وزیران شورای اروپا به شماره‌ی ۴۱۰ مصوب ۱۷ سپتامبر ۱۹۸۷ نیز مقرر گردیده که اعمال اداری باید تحت کنترل دادگاه و یا مقامات مستقل قرار گیرند و این نوع کنترل مقام اداری نباید مانع کنترل مقام اداری مافوق باشد. با توجه به موارد فوق دو سازوکار مهم و اساسی برای تضمین حق بر دادرسی اداری در نظام حقوقی اتحادیه‌ی اروپا وجود دارد؛ دادگاه اروپایی حقوق بشر و آموذمان اروپایی.

بند یکم. دادگاه اروپایی حقوق بشر

تمام ایده‌ی حاکمیت قانون نظارت مستمر بر اعمال قدرت است^۱ و دادگاه اروپایی حقوق بشر که بر اساس ماده‌ی ۱۹ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین تشکیل شده نقش مهمی در تحقق حاکمیت قانون در سطح اتحادیه‌ی اروپا دارد و بر این اساس دادگاه اروپایی حقوق بشر برای تضمین رعایت قوانین به ویژه کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین به وجود آمده است.

بر اساس ماده‌ی ۲۰ این کنوانسیون دادگاه اروپایی حقوق بشر متشکل از قضاتی از کشورهای عضو کنوانسیون است و بر اساس ماده‌ی ۲۲ قضات توسط مجمع پارلمانی از میان لیست‌های سه‌نفره‌ای که اعضا معرفی می‌نمایند، برای مدت ۶ سال انتخاب می‌گردد. بر مبنای ماده‌ی ۳۲ این کنوانسیون، صلاحیت این دادگاه همه‌ی امور مربوط به تفسیر و اعمال کنوانسیون و پروتکل‌های آن را در برمی‌گیرد و بر اساس ماده‌ی ۳۴ این کنوانسیون شخص، اشخاص یا سازمان‌های غیردولتی که ادعای نقض حقوق مندرج در این کنوانسیون را در مورد خویش توسط مقامات عمومی دارند می‌توانند دعوی خود را در این دادگاه مطرح نمایند که این امر بیانگر امکان طرح دعوی علیه اداره در این دادگاه است. بررسی رویه‌ی این دادگاه در سال‌های اخیر و توجه به رعایت حقوق بشر در تمامی ارکان اتحادیه، این دادگاه را به یک حامی و پشتیبان قوی حمایت از حقوق افراد در سطح اتحادیه و فراتر از آن تبدیل نموده است.

1. Bard, P. Carrera, S. Guild, G. Kochenov, D (2016) *An EU mechanism on Democracy, the Rule of Law and Fundamental Rights with thematic contribution by Wim Marneffe* No. 91 / April 2016: 3.

بند دوم. آمبودزمان اروپایی

در نظام حقوق اداری اتحادیه‌ی اروپا نهادی تحت عنوان آمبودزمان بر اساس ماده‌ی ۱۹۵ معاهده‌ی تأسیس جامعه‌ی اروپا ایجاد شده است و از مهم‌ترین نهادهای دارای کارویژه‌ی خاص اداری در سطح اتحادیه است. «آمبودزمان به معنی نظارت و کنترل قانونی و دولتی بر عملکرد دستگاه‌های اجرایی و اداری کشور و حمایت از حقوق افراد در مقابل سوء جریانات اداری با هدف ایجاد عدالت در دستگاه‌های مزبور است.»^۱ این نهاد اگرچه ریشه در سنت‌های اداری کشورهای حوزه‌ی اسکاندیناوی دارد اما امروزه نه تنها در اکثر کشورهای اروپایی که در بسیاری از کشورهای دیگر دنیا نیز تأسیس گردیده و در اتحادیه‌ی اروپا نیز دارای جایگاه ویژه‌ای است. این نهاد در اتحادیه‌ی اروپا ابتدا برای جبران خسارت و رسیدگی به شکایات مردمی ایجاد گردید اما در ادامه شیوه‌هایی برای پیشگیری، تفحص، تحقیق و پرس‌وجو در سطح اتحادیه را نیز در پلان کاری خویش قرار داد. آمبودزمان حامی و پشتیبان مهمی برای حسن اجرای قوانین در سطح اتحادیه به ویژه کد اروپایی رفتار اداری خوب است.

آمبودزمان نهادی است که بر اساس قانون (اساسی یا عادی) به وجود آمده و به شکایات مردم از نهادهای دولتی رسیدگی می‌کند و بعضاً بدون نیاز به شکایت نیز به منظور نظارت از سازمان‌های مذکور وارد عمل می‌شود و نتیجه‌ی عملکرد خود را به صورت گزارش در اختیار نهادهای نظارتی یا عموم مردم و رسانه‌های عمومی قرار می‌دهد. در اتحادیه‌ی اروپا برای رعایت حقوق بنیادین شهروندان پارلمان این اتحادیه در سال ۲۰۰۱ اقدام به نگارش و تصویب کد اروپایی رفتار اداری خوب نمود که پیش‌نویس آن را آمبودزمان اروپایی تهیه کرده بود و این کد توضیحی برای اجرای هر چه بهتر ماده‌ی ۴۱ منشور حقوق بنیادین اتحادیه‌ی اروپا (که خود بخش دوم پیش‌نویس قانون اساسی اتحادیه‌ی اروپا است و بر اساس آن حق بر اداره‌ی خوب شناسایی شده بود) می‌باشد.

۱. جلالی، محمد، رضوان، ضیایی، نقش آمبودزمان‌ها در توسعه و ارتقای مردم‌سالاری، فصلنامه‌ی پژوهش حقوق عمومی، سال ۱۵، شماره‌ی ۳۹، ۱۳۹۲، ص ۱۳۳.

گفتار سوم. حق بر دادرسی اداری در ایران

«اصل نظارت بر اعمال قوای حاکم بر کشور امروزه یکی از اصول بنیادین در حکومت‌های مردمی است»^۱ و در تمامی نظام‌های حقوقی دنیا به عنوان یک اصل پذیرفته شده است که نحوه‌ی عملکرد حاکمان باید زیر ذره‌بین ناظران باشد. نظارت بر اداره سه گونه‌ی مختلف دارد؛ نخست آنکه مقام مافوق اداری می‌تواند در صورت ملاحظه‌ی تخلف مقام مادون بر اساس اصل نظارت سلسله‌مراتبی، به فرد خاطی تذکر داده و حسب مقررات وی را مجازات نماید و پرداخت جبران خسارات وارده به فرد زیان‌دیده و تعویض تصمیم اداری را بخواهد. شیوه‌ی دوم نظارت بر اداره، نظارت نهادهای بازرسی و هیئت‌های رسیدگی به تخلفات اداری است که غالباً از میان کارمندان با سابقه‌ی همان اداره انتخاب و بر عملکرد کارکنان نظارت دارند. این دو نظارت به دلیل درون‌سازمانی بودن و از خود اداره بودن ناظران اعتبار زیادی ندارد و گهگاه با جانبداری از کارکنان اداره به ویژه مدیران ارشد اداری، سبب نادیده‌انگاری و ظلم بر شهروندان می‌شوند. از این منظر در نظام‌های حقوقی مختلف پس از شناسایی حق بر دادخواهی از عمل اداری ناصواب، نظارت‌های برون‌سازمانی بر اداره در قوانین پیش‌بینی شده است تا یک نهاد و مرجع بی‌طرف تخلفات و نقایص اداره را بررسی و حکم مقتضی صادر نماید.

در نظام حقوق اداری ایران هر دو نوع نظارت بر اداره و عملکرد کارکنان اداری وجود دارد. بر اساس چارت سازمانی سازمان‌ها و ادارات دولتی، افرادی با عنوان مدیرکل، معاون، سرپرست اداره و ... نظارت بر تمامی کارکنان زیرمجموعه‌ی خود و نحوه‌ی عملکرد بخش تحت مدیریت خود را بر عهده دارند و علاوه بر آن بخش‌های دیگری تحت عنوان نظارت و بازرسی و همچنین حفاظت و اطلاعات و یا واحد نظارت و ارزیابی وجود دارد که بر نحوه‌ی عملکرد اداره و کارکنان زیرمجموعه‌ی

۱. میرداماد نجف‌آبادی، سیدعلی، نیم‌نگاهی به قوانین دادرسی اداری در ایران و سیر تحولات آن، فصلنامه‌ی معرفت حقوقی، سال ۱، شماره‌ی ۲، ۱۳۹۰، ص ۷۰.

آن نظارت می‌کنند. در کنار این نظارت درون‌سازمانی، سازوکار دیگری برای نظارت بر اداره وجود دارد که نظارت بیرونی توسط نهادهای مستقل است تا ضامن سلامت و صحت عملکرد سازمان‌های دولتی و تضمین حقوق شهروندان در برابر اداره باشند. «با توجه به تأثیر انکارناپذیر تصمیمات اداری بر زندگی مردم، رعایت حق دفاع در فرایندهای اداری می‌تواند نقش بسزایی در حفظ حقوق شهروندی، کاهش خودسری‌ها و اشتباهات کارمندان اداری و در پی آن، افزایش رضایتمندی شهروندان از نهادهای دولتی و بهبود روابط آن‌ها داشته باشد.» از این منظر با وقوع انقلاب اسلامی و تدوین و تصویب قانون اساسی جدید، قانون‌گذار اساسی با جایگذاری اصول متعددی در این قانون به حق دفاع و دادرسی نظر داشته است. بند ۱۴ اصل سوم در بیان سیاست‌های کلی دولت اسلامی و وظایف آن «تأمین حقوق همه‌جانبه‌ی افراد اعم از زن و مرد و ایجاد امنیت قضایی عادلانه برای همه و تساوی عموم در برابر قانون» را مورد مذاقه قرار داده است و در اصل سی و چهارم قانون اساسی دادخواهی را حق مسلم هر فرد دانسته و هرکس می‌تواند به منظور دادخواهی به دادگاه‌های صالح رجوع نماید. اما در کنار این شناسایی حق عام دادخواهی و دادرسی، حق بر دادرسی اداری را نیز مدنظر داشته و در اصل یک‌صد و هفتاد و سوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به شناسایی حق بر دادرسی اداری به عنوان یکی از نمودهای حق بر دادخواهی پرداخته و دیوان عدالت اداری را به عنوان مرجع عام تظلم‌خواهی شهروندان علیه دولت و سازمان‌های زیرمجموعه‌ی آن و سایر ارکان عمومی حکومت را تأسیس نموده است؛ چراکه «تصمیمات اداری نیز همچون آرای قضایی تأثیر بسزایی در حقوق و منافع افراد دارند. از این رو باید هنگام اتخاذ آن به افراد ذی‌نفع فرصت دفاع از حقوق خویش داده شود.»^۲

۱. عطر یان، فرامرز، تحقق حق دفاع در پرتو مفهوم اداره‌ی خوب؛ مطالعه‌ی تطبیقی نظام حقوقی ایران و اتحادیه‌ی اروپا، مطالعات حقوق تطبیقی، دوره‌ی ۷، شماره‌ی ۱، ۱۳۹۵، ص ۲۷۳.

۲. عطر یان، فرامرز، تحقق حق دفاع در پرتو مفهوم اداره‌ی خوب؛ مطالعه‌ی تطبیقی نظام حقوقی ایران و اتحادیه‌ی اروپا، مطالعات حقوق تطبیقی، دوره‌ی ۷، شماره‌ی ۱، ۱۳۹۵، ص ۲۷۴.

بند یکم. دیوان عدالت اداری

دیوان عدالت اداری بر اساس اصل یکصد و هفتاد و سوم قانون اساسی ایران تشکیل شده است و پاسدار حقوق شهروندان در نهادها و مراجع اداری می‌باشد. «هدف از تأسیس دیوان عدالت اداری حراست از حقوق و آزادی‌های شهروندان در برابر تعديات قدرت است.»^۱ دیوان عدالت اداری، عالی‌ترین مرجع دادرسی اداری در نظام حقوق اداری ایران است که دارای قانون خاص خویش برای رسیدگی به دعاوی اداری است. رئیس آن منتصب رئیس قوه قضائیه و قضات آن بر اساس پیشنهاد رئیس دیوان و حکم رئیس قوه قضائیه منصوب می‌گردند و دارای حداقل پنج سال سابقه قضایی با تحصیلات تکمیلی یا ده سال کار قضایی با مدرک کارشناسی هستند و بر اساس اصل یکصد و هفتاد و سوم قانون اساسی و ماده ۱۰ قانون دیوان عدالت اداری تمامی دعاوی مربوط به تصمیمات و اقدامات واحدهای دولتی، شهرداری‌ها، سازمان تأمین اجتماعی، تشکیلات و نهادهای انقلاب اسلامی و تصمیمات و اقدامات مأموران واحدهای مذکور و آرای صادره از مراجع و هیئت‌های رسیدگی‌کننده به تخلفات اداری و مواردی از این‌گونه رسیدگی نموده تا از حقوق شهروندان در برابر اداره حمایت نماید.

وجود دیوان عدالت اداری در نظام حقوقی ایران از دو منظر دارای اهمیت است؛ نخست این که وجود این مرجع باب دادخواهی از قوای حاکمیتی را می‌گشاید و دیگر آن که نشان‌دهنده وجود سازوکارهای نظارت بر عملکرد دولت (به معنای عام) و امکان پاسخ‌خواهی شهروندان از حکومتگران و سیستم اداری و اجرایی موجود در حکومت جمهوری اسلامی ایران است؛ چراکه «دیوان عدالت اداری به منظور تحقق عدالت در روابط بین مردم و حکومت پدید آمده است.»^۲ وجود دیوان عدالت

۱. استوار سنگری، کورش و حمید شاکری، صیانت از آزادی‌ها در آراء دیوان عدالت اداری، فصلنامه‌ی جستارهای حقوق عمومی، سال ۱، شماره ۱، ۱۳۹۶، ص ۹۰.

۲. میرداماد نجف‌آبادی، سیدعلی، نیم‌نگاهی به قوانین دادرسی اداری در ایران و سیر تحولات آن، فصلنامه‌ی معرفت حقوقی، سال ۱، شماره ۲، ۱۳۹۰، ص ۷۱.

اداری پتانسیل بالقوه‌ای است که هم می‌تواند مدافع فرمانبران در مقابل زیادت‌خواهی فرمانروایان و هم پلی برای رسیدن به شفافیت، پاسخگویی و در نهایت مستولی نمودن حاکمیت قانون در جامعه باشد.

با ملاحظه‌ی رویه‌ی دیوان در سال‌های اخیر مشاهده می‌شود که رویکرد دیوان در راستای حمایت هرچه بیشتر از حقوق شهروندان بوده و اصول و موازین حقوق بشری در آراء دیوان نمود بهتری یافته است. توجه به حقوق بشر و حق‌های زیرمجموعه آن مانند آزادی، برابری، کرامت انسانی، حق بر محیط زیست سالم، رعایت حقوق شهروندی، حق بر استخدام و آزادی کار و مواردی از این دست نشان‌دهنده‌ی اهمیت حقوق بشر در اداره و الزام‌آور دانستن موازین آن در نزد دیوان است. رویه‌ی دیوان عدالت اداری در دهه‌ی اخیر سبب گردیده تا حقوق بشر و موازین حقوق شهروندی از اعلامیه‌های حقوق بشری و کنوانسیون‌های بین‌المللی و متن قانون اساسی به رویه‌ی قضایی و اداری ایران وارد شود و از عرصه‌ی نظر به عرصه‌ی عمل برسد. وجود دیوان عدالت اداری و شناسایی آن به عنوان یک نهاد رسیدگی‌کننده به دعای مردم علیه دولت، ایجادکننده‌ی حق بر دادرسی اداری برای شهروندان ایرانی است و می‌تواند تضمینی محکم و متقن برای حفاظت هر چه بیشتر از حقوق شهروندان در برابر حاکمان باشد.

بند دوم. کمیسیون اصل نودم قانون اساسی

قانون‌گذار اساسی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران علاوه بر امکان تظلم‌خواهی عام در دیوان عدالت اداری و احیای حقوق عامه در برقراری و اجرای عدالت توسط این نهاد، راهکارهای دیگری برای حمایت از اشخاص در برابر اداره و نهاد و ارگان‌های دولتی پیش‌بینی نموده است تا از این طریق از خودکامگی و پیش‌روی‌های غیرقانونی مقامات عمومی جلوگیری به عمل آورد و در نتیجه قانون‌گذار اساسی شیوه‌ی غیرقضایی نظارت اداری را در اصل نودم قانون اساسی پیش‌بینی نموده است تا همگان مردم بتوانند از پارلمان که تشکیل شده از نمایندگان خود مردم است، علیه سه قوه‌ی موجود و اعمال غیرقانونی نهادهای اداری کشور اقدام به طرح شکایت نمایند. برای همین منظور اصل نودم قانون اساسی مقرر می‌دارد که هر کس شکایتی از طرز کار مجلس یا قوه‌ی مجریه

دو فصلنامه جستارهای نوین حقوق اداری ● ۱۹۳

سال اول، شماره ۱ و ۲، بهار و تابستان ۱۴۰۰

یا قضائیه داشته باشد، می‌تواند شکایت خود را کتباً به مجلس شورای اسلامی عرضه کند. مجلس موظف است به این شکایات رسیدگی کند و پاسخ کافی دهد و در مواردی که شکایت به قوه‌ی مجریه یا قوه‌ی قضائیه مربوط است، رسیدگی و پاسخ کافی از آن‌ها بخواهد و در مدت متنا سب نتیجه را اعلام نماید و در موردی که مربوط به عموم باشد به اطلاع عامه برساند. در راستای اجرای این اصل کمیسیونی در مجلس شورای اسلامی به همین نام تشکیل شده است تا با دریافت شکایات مردمی و اعلام آن به نهادها و سازمان‌های مورد شکایت، درصدد پاسخ‌خواهی از آنان برآید. این شیوه از حق دادرسی یک شیوه‌ی غیرقضایی است که می‌تواند منجر به پاسخ‌گویی نهادهای اداری شود و به احقاق حقوق مردم منتهی گردد و این «کمیسیون می‌تواند به نظارت اشخاص علیه سوءمدیریت یا سوءعملکرد در طرز کار قوای سه‌گانه رسیدگی کند و نهادها و سازمان‌های تحت صلاحیت خود را مجبور به پاسخ‌گویی کند.»^۱

بند سوم. مراجع شبه قضایی اداری

در کنار سازوکارهای عام نظارت بر رفتار اداره از طریق دیوان عدالت اداری و کمیسیون اصل نودم قانون اساسی، در نظام حقوق اداری ایران مراجع شبه قضایی بسیاری وجود دارند که به شکایات مردم از اداره قبل از طرح دعوی در دیوان عدالت اداری رسیدگی و از عملکرد خلاف قانون اداره تظلم‌خواهی می‌نمایند؛ چون «دیوان عدالت اداری به موجب قانون در برخی موارد دادگاه بدوی و نهایی و در برخی دیگر دادگاه تجدیدنظر دعاوی و شکایات اداری کمیسیون‌ها و مراجعی است که در سازمان‌ها و دستگاه‌های اداری وجود دارد و از این راه به ایجاد وحدت نظر و وحدت رویه‌ی قضایی اداری کمک

۱. موسی زاده، ابراهیم، بررسی تطبیقی کمیسیون اصل نود و نهاد آموذمان، فصلنامه‌ی دیدگاه‌های حقوق قضایی، دوره‌ی ۱۷، شماره‌ی ۵۷، ۱۳۹۱، ص ۱۶۵.

می‌کند.» در ایران «حدود ۵۵ مرجع تخصصی شبه قضایی وجود دارد که اعتراض به آراء آن‌ها در دیوان عدالت اداری صورت می‌گیرد.»^۱ این مراجع شبه قضایی اداری تعداد فراوانی دارند و غالباً زیرمجموعه‌ی قوه‌ی قضاییه نبوده و زیرمجموعه‌ی قوه‌ی مجریه هستند و تحت عنوان هیئت تشخیص (مرجع رسیدگی بدوی) و هیئت حل اختلاف (مرجع رسیدگی تجدیدنظر) فعالیت می‌نمایند. ترکیب این مراجع متفاوت است و غالباً اعضای غیرحقوقدان مانند وزیر، مدیرکل، سرپرست سازمان‌ها و نهادهای عمومی، کارشناسان و مدیرکل‌های حقوقی سازمان‌ها و ... در آن عضویت دارند و یک یا دو نفر قاضی نیز در آن‌ها عضو هستند و ملاک صدور رأی نظر اکثریت است نه قاضی. با این همه «اختیارات این مراجع نسبتاً وسیع و قابل توجه است و رأیی که درباره‌ی افراد صادر می‌کنند در حقوق آن‌ها مؤثر است.»^۲ باید در نظر داشت که این مراجع شبه قضایی به خاطر غیرحقوقی بودن اعضا و عضو سازمان بودن آن‌ها غالباً تصمیم‌های جانبدارانه و گهگاه خلاف قانون و مقررات اخذ می‌نمایند و همین امر سبب مراجعه‌ی شهروندان به دیوان عدالت اداری برای تظلم‌خواهی است. با نگاهی به عملکرد دیوان عدالت اداری در دهه‌ی اخیر می‌توان کثرت شکایت مردم از آرای صادره این مراجع را مشاهده نمود که بی‌دقتی و نابلدی اعضای این مراجع در صدور تصمیمات اداری دلیل کثرت شکایات مردمی از این نهادهاست. البته باید توجه نمود که ایجاد این مراجع شبه قضایی در سازمان‌های مختلف جهت سهولت دسترسی شهروندان به مرجع تظلم‌خواهی بوده است و فرد مرتبط با دستگاه‌های اداری و اجرایی کشور در وهله‌ی اول به خود دستگاه مراجعه می‌نماید و بعد از عدم حصول نتیجه، به طرح دعوی در دیوان عدالت اداری متوسل می‌شود که این امر با توجه به استقرار دیوان عدالت اداری در تهران قابل توجیه است.

-
۱. میرداماد نجف‌آبادی، سیدعلی، نیم‌نگاهی به قوانین دادرسی اداری در ایران و سیر تحولات آن، فصلنامه‌ی معرفت حقوقی، سال ۱، شماره‌ی ۲، ۱۳۹۰، ص ۷۱.
 ۲. استوار سنگری، کوروش، چیستی دادرسی اداری در ایران؛ دادرسی در اداره یا دادرسی بر اداره، فصلنامه‌ی پژوهش‌های نوین حقوق اداری، سال ۲، شماره ۴، ۱۳۹۹، ص ۱۴۶.
 ۳. میرداماد نجف‌آبادی، سیدعلی، نیم‌نگاهی به قوانین دادرسی اداری در ایران و سیر تحولات آن، فصلنامه‌ی معرفت حقوقی، سال ۱، شماره‌ی ۲، ۱۳۹۰، ص ۸۳.

نتیجه گیری

حق دسترسی به دادرسی اداری و نظارت قضایی بر اعمال اداری در هر دو نظام حقوقی ایران و اتحادیه‌ی اروپا جهت دفاع از حقوق شهروندان به رسمیت شناخته شده است و در هر دو نظام حقوقی علاوه بر نظارت‌های درون سازمانی، مراجع و نهادهای متعددی برای نظارت برون سازمانی بر اداره در نظر گرفته شده است که دیوان عدالت اداری، کمیسیون اصل نودم قانون اساسی در ایران و دادگاه اروپایی حقوق بشر و آموذزمان اروپایی از مهم‌ترین نهادهای برون سازمانی نظارت بر اداره‌اند و مختصراً در این تحقیق مورد واکاوی واقع گردیدند. نتایج این بررسی نشان می‌دهد که در اتحادیه‌ی اروپا رعایت حقوق بنیادین و موازین حقوق بشری توسط نهادهای این اتحادیه مورد تأکید فراوان قرار گرفته است و می‌توان این طور بیان نمود که رویکرد اتحادیه‌ی اروپا در اداره، رویکردی حقوق بشر-محور است. در قوانین اداری این اتحادیه قواعد بسیاری برای رعایت حق بر دادرسی اداری پدید آمده است.

در قوانین اداری ایران نیز دو نهاد دیوان عدالت اداری و کمیسیون اصل نودم قانون اساسی که در مجلس شورای اسلامی تشکیل شده است حق بر دادرسی اداری را پیاده‌سازی می‌نمایند و دیوان به عنوان یک مرجع قضایی اقدام به صدور رأی در دعاوی اداری می‌نماید و کمیسیون اصل نودم مجلس شورای اسلامی به عنوان یک نهاد غیرقضایی اقدام به بررسی و طرح شکایت افراد علیه سازمان‌ها و نهادهای دولتی می‌نماید و نتایج آن را منتشر کرده و در دسترس عموم قرار می‌دهد. در اتحادیه‌ی اروپا نیز دادگاه اروپایی حقوق بشر و آموذزمان اروپایی همین رویکرد را دارند و دادگاه به عنوان مرجعی قضایی اقدام به رسیدگی دعاوی علیه دولت‌های عضو اتحادیه‌ی اروپا می‌نماید و آموذزمان اروپایی با رسیدگی غیرقضایی و توسل به تهیه‌ی گزارش از تخلفات اداری و انتشار آن برای عموم سعی در اصلاح عملکرد مراجع اداری و حمایت از شهروندان در برابر اداره دارد. در نتیجه این دو نظام حقوقی در شناسایی و پیاده‌سازی حق بر دادرسی اداری شباهت‌های فراوانی با یکدیگر دارند و نظام دادرسی اداری ایران می‌تواند با الهام گرفتن از حقوق اداری اتحادیه‌ی اروپا و

حق بر دادرسی اداری و سازوکارهای اجرایی... ■ ۱۹۶

ترجمه و بومی‌سازی قوانین و مصوبات مختلف مراجع قضایی و غیرقضایی این اتحادیه گامی در راستای هر چه بهتر تضمین نمودن حق بر دادرسی اداری و دفاع از حقوق شهروند در برابر سازمان‌های اداری برای شهروندان ایرانی بردارد.

فهرست منابع

منابع فارسی

الف. کتاب‌ها

۱. دیتر بروچاردت، کلاس، *الفبای حقوق اتحادیه‌ی اروپا*، ترجمه‌ی علی احدی، تهران: مجد، ۱۳۹۴.
۲. عطریان، فرامرز، *حقوق اداری تطبیقی؛ اداره‌ی خوب م. مطالعه‌ی تطبیقی نظام حقوقی ایران و اتحادیه‌ی اروپا*، تهران: میزان، ۱۳۹۶.
۳. کاتبرت، مایک، *حقوق اتحادیه‌ی اروپا*، ترجمه‌ی بهروز اخلاقی، وحید اشتیاق و پرویز پرویزیان، تهران: شهر دانش، ۱۳۸۰.
۴. محمودی، جواد، *تحولات حقوق اداری اتحادیه‌ی اروپا*، تهران: خرسندی، ۱۳۹۳.
۵. هاشمی، سید محمد، *حقوق اساسی و ساختارهای سیاسی*، تهران: میزان، ۱۳۹۰.
۶. هداوند، مهدی، علی مشهدی، *اصول حقوق اداری در پرتو آراء دیوان عدالت اداری همراه با مطالعه‌ی تطبیقی در حقوق فرانسه، سوئیس، آلمان، مصر، لبنان، انگلیس و آمریکا*، تهران: خرسندی، ۱۳۹۵.

ب. مقاله‌ها

۷. استوار سنگری، کوروش، شاکری، حمید، *صیانت از آزادی‌ها در آراء دیوان عدالت اداری*، فصلنامه‌ی جستارهای حقوق عمومی، سال ۱، شماره‌ی ۱، ۱۳۹۶، صص ۹۰-۱۲۳.

۸. استوارسنگری، کوروش، چیستی دادرسی اداری در ایران؛ دادرسی در اداره یا دادرسی بر اداره، فصلنامه‌ی پژوهش‌های نوین حقوق اداری، سال ۲، شماره‌ی ۴، ۱۳۹۹، صص ۱۳۵-۱۶۵.
۹. خانی والی زاده، سعید، بررسی ارتباط رعایت حقوق دفاعی و کرامت انسانی افراد در حقوق اداری ایران و فرانسه، فصلنامه‌ی حقوق اداری، سال ۵، شماره‌ی ۱۴، ۱۳۹۷، صص ۳۱-۵۳.
۱۰. خسروی، حسن، حسینی، محمدجواد، سرآغازی بر حقوق بشر اداری، فصلنامه‌ی پژوهش‌های نوین حقوق اداری، سال ۲، شماره‌ی ۵، ۱۳۹۹، صص ۱۱-۳۲.
۱۱. جلالی، محمد، رضوان، ضیایی، نقش آمبودزمان‌ها در توسعه و ارتقای مردم‌سالاری، فصلنامه‌ی پژوهش حقوق عمومی، سال ۱۵، شماره‌ی ۳۹، ۱۳۹۲، صص ۱۶۶-۱۲۹.
۱۲. زارعی، محمد حسین، محسن زاده، آزیتا، نظام اثبات دعوا در دادرسی اداری، فصلنامه‌ی دیدگاه‌های حقوق قضایی، شماره‌ی ۷۲، ۱۳۹۴، صص ۶۵-۹۲.
۱۳. فتحی، یونس، شفیع سردشت، جعفر، وهیبی فخر، مریم، نظام مطلوب دادرسی اداری در ایران، فصلنامه‌ی پژوهش‌های نوین حقوق اداری، سال ۱، شماره‌ی ۱، ۱۳۹۸، صص ۷۳-۹۴.
۱۴. موسی‌زاده، ابراهیم، بررسی تطبیقی کمیسیون اصل نود و نهاد آمبودزمان، فصلنامه‌ی دیدگاه‌های حقوق قضایی، دوره‌ی ۱۷، شماره‌ی ۵۷، ۱۳۹۱، صص ۱۵۷-۱۸۰.
۱۵. میرداماد نجف‌آبادی، سید علی، نیم‌نگاهی به قوانین دادرسی اداری در ایران و سیر تحولات آن، فصلنامه‌ی معرفت حقوقی، سال ۱، شماره‌ی ۲، ۱۳۹۰، صص ۶۹-۸۸.

دو فصلنامه جستارهای نوین حقوق اداری ● ۱۹۹

سال اول، شماره ۱ و ۲، بهار و تابستان ۱۴۰۰

۱۶. عطریان، فرامرزی، تحقق حق دفاع در پرتو مفهوم اداره‌ی خوب؛ مطالعه‌ی تطبیقی نظام حقوقی ایران و اتحادیه‌ی اروپا، مطالعات حقوق تطبیقی، دوره‌ی ۷، شماره‌ی ۱، ۱۳۹۵، صص ۲۷۱-۲۹۸.
۱۷. ممتاز، جمشید، متوسل، سیروس، حق بر دادرسی در کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، فصلنامه‌ی مطالعات حقوق عمومی، دوره‌ی ۴۶، شماره‌ی ۴، ۱۳۹۵، صص ۸۷۲-۸۵۵.
۱۸. همتی، مجتبی، تحلیل قانون دیوان عدالت اداری از منظر استانداردهای خاص دادرسی منصفانه اداری؛ با نگاهی به رویه‌ی دادگاه اروپایی حقوق بشر، فصلنامه‌ی پژوهش حقوق عمومی، سال ۱۹، شماره‌ی ۵۵، ۱۳۹۵، صص ۲۴۵-۲۷۷.
۱۹. همتی، مجتبی، حق دسترسی به دادگستری در دیوان عدالت اداری با نگاهی به نظرهای شورای نگهبان، فصلنامه‌ی دانش حقوق عمومی، سال ۵، شماره‌ی ۱۶، ۱۳۹۵، صص ۱۰۳-۱۲۸.

منابع انگلیسی

20. Bard, P. Carrera, S. Guild, G. Kochenov, D (2016) An EU mechanism on Democracy, the Rule of Law and Fundamental Rights with thematic contribution by Wim Marneffe No. 91 / April 2016.
21. Vala Kristjansdottir, M. (2013). Good Administration as a Fundamental Right. Icelandic Review of Politics and Administration Vol. 9, Issue 1, p 237-255.
22. Convention for the Protection of Human Rights and Fundamental Freedoms as amended by Protocols No. 11 and No. 14, Rome, 4.XI.1950.
23. Charter of fundamental rights of the European Union (2000/C 364/01) as adapted at Strasbourg, on 12 December 2007.

24. The European Code of Good Administrative Behavior, European Communities, 2005.
25. Constitution for Europe, Adopted by consensus by the European Convention on 13 June and 10 July 2003.
26. The treaty on European Union.
27. Recommendation of the Committee of Ministers to member states on the protection of the individual in relation to the acts of administrative authorities (Adopted by the Committee of Ministers on 28 September 1977, at the 275th meeting of the Ministers' Deputies).
28. Recommendation of the Committee of Ministers to member states on judicial review of administrative acts (Adopted by the Committee of Ministers on 15 December 2004 at the 909th meeting of the Ministers' Deputies).
29. Recommendation of the Committee of Ministers to member states on the communication to third parties of personal data held by public bodies¹ Adopted by the Committee of Ministers on 9 September 1991 at the 461st meeting of the Ministers' Deputies.
30. Recommendation of the Committee of Ministers to member states on of the committee of ministers to member states on administrative procedures affecting a large number of persons (Adopted by the Committee of Ministers on 17 September 1987 at the 410th meeting of the Ministers' Deputies).
31. Recommendation of the Committee of Ministers to member states on good administration (Adopted by the Committee of Ministers on 20 June 2007 at the 999bis meeting of the Ministers' Deputies).
32. Recommendation No. R (85) 2 of the committee of ministers to member states on legal protection against sex discrimination¹ (adopted by the committee of ministers on 5 February 1985 at the 380th meeting of the ministers' deputies).